

# **A sociological study of the representation of Cultural identity in the lyrics of popular music in Iran between ۲۰۱۳ and ۲۰۱۸**

**Anahita Aghasi**

PhD student in cultural sociology, college of Human and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
anahita.aghasi@yahoo.com

**Seyed Mohsen Banihashemi**

**Assistant Professor, Department of Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University of Tehran, Iran. (Author)**

smohsenb@yahoo.com

**Seyed Vahid Aghili**

Associate Professor, Department of Communication society science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
seyed\_vahid\_aqili@yahoo.com

## **Abstract**

The cultural identity is one of the issues that play an important role in the cultural and social cohesion of a society. To this end, this study begins with the main question of what is the cultural identity represented in the Persian lyrics of popular music? For this purpose, an attempt has been made to extract this concept by analyzing the lyrics of popular music in Iran.

This research is qualitative and descriptive-exploratory. The method that is used is thematic analysis with thematic network technique. And the data analyzed in this method are collected using documentary technique. The sampling in this study is qualitative and of the purposeful sampling type.

It has been analyzed by N Vivo ۱۰ quality research software. The results show that identify cultural identity in the lyrics of popular music in Iran can be the following aspects:

-aspect of WHY (religion, moral values, history and collective memory)

-aspect of WHAT (Persian Language and Literature, Geography, Common political and cultural symbols in the land, A sense of social belonging, Cultural and ritual heritage, Refers to spiritual wealth)

-aspect of HOW (Unity and integrity, Symbolic Mythology (Heroes), Historical milestones of Iran)

**Key concept:** Cultural Identity, Reflexive approach, Popular Music, Persian lyrics, Iran

# مطالعه جامعه شناختی بازنمایی هویت فرهنگی در اشعار موسیقی مردم‌پسند ایران در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷

آناهیتا آقاسی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران.

anahita.aghasi@yahoo.com

سید محسن بنی هاشمی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

smohsenb@yahoo.com

سید وحید عقیلی

دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران

seyed\_vahid\_aqili@yahoo.com

## چکیده

هویت‌فرهنگی از موضوعاتی است که در انسجام فرهنگی و اجتماعی یک جامعه نقش بسزایی ایفا می‌کند. بدین منظور، این پژوهش با این پرسش اصلی آغاز می‌شود که هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند چیست؟ با تحلیل اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند ایران تلاش شده است تا این مفهوم استخراج شود. این پژوهش از حیث روش، کیفی و از نوع توصیفی-اکتشافی است. روش تحقیق تحلیل مضمون با تکنیک شبکه مضامین است و داده‌های مورد تحلیل با استفاده از تکنیک اسنادی جمع‌آوری شده‌اند. نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری هدفمند است. همچنین تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار تحقیق کیفی NVivo ۱۰ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار موسیقی مردم‌پسند را می‌توان در بعد چرایی (دیانته، ارزشهای اخلاقی، تاریخ و حافظه جمعی) و بعد چیستی (زبان و ادبیات فارسی، جغرافیا، نمادهای سیاسی و فرهنگی مشترک در سرزمین، احساس تعلق اجتماعی، میراث فرهنگی و آیینی، اشاره به ثروت‌های غیر مادی) و در آخرین بعد چگونگی (وحدت و یکپارچگی، اسطوره‌سازی سمبلیک «قهرمانان»، نقاط عطف تاریخی ایران) خلاصه کرد.

کلمات کلیدی: هویت فرهنگی، رویکرد بازتابی، موسیقی مردم‌پسند، اشعار فارسی، ایران

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۰/۲۵ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۴/۰۲  
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۳، تابستان ۱۴۰۱،  
صص ۴۰۵-۴۳۳

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

از گذشته تا به امروز انسان به دنبال تعریف و شناسایی خود و پیدا کردن تشابهات و تمایزات خود از دیگران بوده است. به همین منظور افراد و گروه‌های اجتماعی در صدد هستند تا تشابهات و تمایزات هویتی خود را با دیگر افراد و گروه‌های اجتماعی درک کنند. در همین راستا هویت یکی از اساسی‌ترین مباحث به شمار می‌آید که بحث از آن در غرب پس از رنسانس پدید آمده است. تاریخ این مفهوم ریشه در تطوراتی دارد که کشورهای غربی و به تبع آن‌ها دیگر کشورها را با ت تأخر زمانی، از دوران نوزایی یعنی آغاز تمدن معاصر غرب، در خود فرو برده است. دوره نوزایی در عین حال که آغاز ظهور جمعی تجدد است، پایان نظم کلیسایی یا مسیحی قرون وسطای غرب نیز می‌باشد. در واقع نفس همین طلوع و غروب بوده که مسأله هویت را به یکی از معضلات تمدن غربی بدل کرده است (کچوئیان & جوادی یگانه، ۱۳۸۴، ص. ۵۳). اما از دهه ۱۹۹۰ موضوع هویت به یکی از مباحث متداول در محافل دانشگاهی بدل شد (مشیرزاده & مسعودی، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۲).

هویت، مفهومی نسبی است؛ به این معنا که هم به لحاظ مکانی و هم به لحاظ زمانی در حال تغییر و دگرگونی است. این تغییر و تحول ممکن است در نظام ذهنی فرد، گروه یا جامعه رخ دهد یا در ساختار و روابط اجتماعی و فرهنگی نمود یابد؛ اما در هر حال تأثیر مستقیمی بر تکوین حفظ و تغییر هویت فرهنگی دارد (آشنا & روحانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۲). هویت دارای سطوح مختلفی است. این سطوح ممکن از کوچک‌ترین سطح هویتی یعنی هویت فردی تا بالاترین آن یعنی ملت و حتی جامعه

جهانی را شامل شود. با وجود این، در مجموع هویت را به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنند و هر سطح از عناصری تشکیل می‌یابند که احساس تعلق انسان‌ها به آن متفاوت است (گودرزی، ۱۳۸۴، ص. ۵۹).

از هویت می‌توان به عنوان پسوندهایی چون فرهنگ، قومیت، ملیت، دین، محل سکونت، رشته آموزشی، ایل، طایفه و محله و نظایر آن استفاده کرد (کریمی مله، بلباسی، & قربی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۴). فرهنگ و هویت فرهنگی تا حدود زیادی دارای سرنوشتی به هم پیوسته‌اند. به عبارتی هویت و فرهنگ رابطه بسیار عمیقی با یکدیگر دارند به گونه‌ای که مفهوم هویت فرهنگی از درون این رابطه عمیق متولد شده است. هویت فرهنگی<sup>۱</sup> نیز نمادهای آشکار و پنهانی است که مردمان سعی می‌کنند با حفظ و نمایاندن آن‌ها خود را از سایر جوامع باز شناسند. هویت فرهنگی، مهم‌ترین عامل وحدت قلبی یک جامعه است و آن قدر ریشه‌دار و عمیق است که غالباً ناخودآگاه بوده و افراد جامعه بدون آگاهی و هوشیاری بدان وابسته و پایبند هستند (ستاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۹). اساساً جامعه از طریق جست‌وجوی هویت و فرهنگ بازشناخته می‌شود، شخصیت می‌گیرد و درک معنای جدید از حقیقت را باز می‌نماید (کریمیان & احمدوند، ۱۳۹۱، ص. ۵۱). و مفهوم هویت فرهنگی را خلق می‌کند.

به همین سبب این پژوهش درصدد است تا ببیند هویت فرهنگی در جامعه چگونه از طریق موسیقی مردم پسند بازتاب می‌شود؛ زیرا این ادعا براساس رویکرد بازتابی مطرح است که جامعه را می‌توان از طریق آثار هنری و موسیقایی نیز شناخت که از این حیث این مقاله دارای نوآوری است.

مطالعه موسیقی یکی از راه‌های شناخت هویت فرهنگی جوانان، خرده فرهنگ‌ها، ملت‌ها و... در طول دهه‌های مختلف است که نمایان‌گر سیر تحول‌ها، دگرگونی‌ها و کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها درون جامعه است. موسیقی دارای انواع مختلف است. یکی از انواع آن موسیقی مردم‌پسند نام دارد که موضوع این مقاله است. دلیل انتخاب این نوع از موسیقی این است که در فرهنگ عامه‌پسند توسط مخاطبان بیشتری به نسبت سایر انواع موسیقی مورد مصرف قرار می‌گیرد و موسیقی مردم‌پسند به عنوان کالای فرهنگی در مطالعات جامعه‌شناختی شناخته می‌شود که در جامعه ایران نیز در دسترس است. موسیقی مردم‌پسند دارای ظرفیتی بزرگ است که از یک طرف می‌تواند بر مصرف‌کنندگان تأثیرگذار باشد و ارزش‌ها و باورهای درون جامعه را شکل

دهد و از طرف دیگر از طریق آن چه که درون جامعه است (واقعیت اجتماعی) تأثیر بپذیرد و همواره در بازتولید این واقعیت باشد.

در واقع مسئله اساسی برای ورود به این پژوهش شناخت هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند است. به عبارتی اولین قدم برای رویارویی با هر مسئله یا حل هر مشکلی از قبیل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی شناخت آن مسئله است.

بنابراین وجود چنین تحقیقاتی در مرحله نخست زمینه شناخت جامعه را آن گونه که هست مهیا می‌کند و در مرحله دوم تفاوت، دگرگونی فرهنگی و یا پایداری موضوع در دوره‌های تاریخی متفاوت را نشان می‌دهد و در مرحله سوم این امکان را به ما می‌دهد تا سیاست‌گذاری‌های مرتبط، همانند سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای در حوزه فرهنگی و اجتماعی با تناسب هر چه بیشتر با جامعه صورت گیرد. از این منظر است که وجود چنین تحقیقاتی لازم و ضروری است.

## ۲- اهداف و سؤالات پژوهش

با توجه به مقدمه مطرح شده هدف این مقاله شناخت هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند ایران است و در همین راستا سؤال‌های تحقیق براساس آراء آتراید- استیرلینگ<sup>۲</sup> که رویکرد شبکه مضامین را توسعه داده بیان شده است که عبارتند از:

### سؤال اصلی

- هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند ایران چیست؟

### سؤال‌های جزئی

۱- فلسفه وجودی هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند ایران چیست (چرایی) / ۲- ویژگی‌های هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند ایران چیست؟ (چیستی) / ۳- فرایند هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم‌پسند ایران چیست؟ (چگونگی)

### ۳- پیشینه پژوهش

در همین راستا برخی تحقیقات با وام گرفتن از موسیقی به موضوع‌های اجتماعی، فرهنگی در جامعه پرداخته‌اند (راوردراد & فائق، ۱۳۹۴) مطالعه‌ای تحت عنوان «بازنمایی معضلات اجتماعی جامعه در موسیقی رپ اجتماعی ایرانی مطالعه موردی: متن آهنگ‌های یاس» انجام داده‌اند. این پژوهش با رویکرد بازتابی مورد تحلیل قرار گرفته است روش تحقیق کیفی است، از روش تحلیل مضمونی استفاده شده است و مجموعاً ۲۳ متن آهنگ با موضوعات اجتماعی که بیشترین فراوانی دانلود را داشته‌اند به منزله نمونه تحقیق انتخاب شده که همگی در دسترس است بنابراین نمونه‌گیری هدفمند بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متن‌های انتخاب شده از آهنگ‌های یاس، یازده معضل اجتماعی شامل فقر، اعتیاد، طلاق، روسپی‌گری، بیکاری، کودکان خیابانی، خودکشی، گروه‌های خلافکار و ضد اجتماعی است. در تحلیل متن‌ها نشان داده شد که بیشتر مضامین، نمادی برای بیان اندیشه و دغدغه‌ها، معضلات و نگرانی‌های طبقات جامعه به ویژه طبقه محروم بوده است.

(محمدپور، شریعت پناه، & غلامی، ۱۳۹۲) تحلیل جامعه‌شناختی شیوه‌برساخت هویت از رهگذر مصرف موسیقی عامه‌پسند در میان جوانان را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه هدف بررسی شیوه‌برساخت هویت از طریق مصرف موسیقی، مخصوصاً موسیقی عامه‌پسند، در میان جوانان است. در مبنای نظری از نظریات لاکلا و موف در باب هویت و شیوه‌ی شکل‌گیری آن استفاده شده است و از روش مردم‌نگاری متعارف (مردم‌نگاری صوری) استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق هم‌نوا با تحقیقات کیفی نمونه‌گیری نظری است. بر مبنای نمونه‌گیری نظری با ۳۰ مطالعه عمیق و نیمه‌ساختارمند از دانشجویان مرحله‌مصاحبه به حد اشباع رسید و تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها بر مبنای تحلیل موضوعی صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهند که اولاً دانشجویان، برخلاف نظریات رایج درباره نحوه مصرف موسیقی، به خرده فرهنگ جوانان تعلق ندارند. جوانان با توجه به موضوع گفتمانی‌ای که در آن قرار دارند موسیقی را به کار می‌گیرند. همچنین نحوه برداشت و قرائت موسیقی در بین جوانان نوعی برساخت‌گرایی محسوب می‌شود.

-پژوهشی توسط الیوت دلی (Dely, ۲۰۲۰) تحت عنوان «سرنوشت هویت فرهنگی در تایلند: تجربیات دانشجویان بین‌المللی دکتری در انگلستان و سازگاری



مجدد آن‌ها پس از بازگشت به کشورشان» صورت گرفته است. هدف این پژوهش مطالعه تجربیات دانشجویانی که پس از اتمام دوره تحصیلی به کشور باز می‌گردند است. روش تحقیق این پژوهش کیفی (پدیدارشناسی تفسیری) است و تکنیک‌های مورد استفاده شامل عکسبرداری، مصاحبه عمیق است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تجربیات دانشجویان دکتری بین‌المللی تا ایند نه تنها می‌تواند شامل سازگاری آن‌ها هنگام زندگی و تحصیل در انگلستان شود، بلکه هنگام بازگشت به تایلند نیز با شرایط تایلندی سازگار می‌شوند.

(Balanovic, Stuart, & Ward, ۲۰۲۰) مطالعه دیگری توسط جوانا بالانویک، جیمی استوارت و کولن وارد تحت عنوان «فرصتی برای نگاه، بررسی، برای کشف یک مطالعه کیفی ارتباط بین فرهنگی و کشف هویت فرهنگی برای مهاجران مسلمان» نگاشته شده است. این تحقیق از نوع کیفی با روش تحقیق تحلیل مضمون است. همچنین از تکنیک مصاحبه عمیق جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نمونه تحقیق ۱۱ مورد است که از بین زنان مسلمان (۸ مالزیایی و ۳ عربستانی) که به طور دائم در نیوزلند زندگی می‌کردند انتخاب شده است. تحقیق حاضر به دنبال درک بهتر نقش افراد در روند توسعه هویت فرهنگی خود در طول فرایند فرهنگ‌پذیری است.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد با توجه به موضوع تحقیق سعی شده تا پژوهش‌هایی در دو حوزه مورد بحث در مقاله در نظر گرفته شود تا با دقت عمل بالاتری به پژوهش پرداخته شود. ارتباط این مقاله با پیشینه پژوهشی از حیث کیفی بودن آن‌ها است که هر یک با روش‌های کیفی متفاوت به بحث پرداخته‌اند. اما در مورد شباهت‌های مقاله حاضر با مطالعات پیشین انتخاب موسیقی به عنوان حوزه مطالعاتی مشترک است که نقطه قوت مقاله محسوب می‌شود و تنها در نوع موسیقی و اهداف با یکدیگر متفاوت هستند. نمونه بارز آن مطالعه‌ای است که توسط اعظم راوردراد صورت گرفته است.

#### ۴- مبانی و ادبیات نظری

درباره «هویت فرهنگی» تعاریف زیادی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است که در این مقاله به برخی از آن پرداخته شده است.

پارسونز در نظریه نظام اجتماعی شرایط شکل‌گیری «خود» را بیان می‌کند. وی بیان می‌کند که «خود» راهی برای شناختن هویت فراهم می‌کند. پس در این نظریه

می‌توان با ساختار جامعه و چگونگی تأثیر آن در فرد آشنا شد. در نظریه پارسونز نظام فرهنگی، به دلیل دارا بودن عناصر نمادین و ارزش‌ها، مهم‌ترین نظام است. همچنین، به علت نمادین بودن، تولنایی انتقال به دیگر نظام‌ها را دارد؛ به طوری که در نظام اجتماعی، به صورت الگوهای عملی (هنجارها) در می‌آید و در نظام شخصیت، دستیابی به هدف‌ها را ممکن می‌سازد.

در نظام شخصیت، نظام فرعی هویت وجود دارد که اساس پایداری شخصیت را می‌سازد و می‌تواند بر سایر نظام‌های فرعی شخصیت و نیز روابط میان آن‌ها نظارت کند. از طرف دیگر، نظام شخصیت، عناصر لازم برای ثبات درون و رشد و بالندگی برای موفقیت رفتار در جامعه معین را در الگوهای فرهنگی می‌یابد (شاه آبادی & ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۰). حال اگر در نظام فرهنگی خللی وارد آید و مقدار ورودی و خروجی آن متعادل و معقول نباشد، این نظام تولنایی نمادین خود (قبل انتقال بودن به نظام دیگر) را از دست خواهد داد. نظام شخصیت هم که عناصر لازم برای ثبات درونی‌اش را از الگوهای دیگر، اعم از الگوهای فرهنگی، می‌گیرد، نمی‌تواند کارش را به درستی انجام دهد. پس داخل نظام شخصیت، نظام فرعی هویت هم دچار ضعف می‌شود. بدین ترتیب، شرایط پزمردگی و اضمحلال در افراد به وجود می‌آید و جامعه بحران‌زده می‌شود (شاه آبادی & ابراهیم آبادی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۲).

به نظر کاستلز در جوامع هویت‌ها همه برساخته می‌شوند. در این فرایند از مواد و مصالحی مانند تاریخ، جغرافیا، زیست‌شناسی، نهادهای قدرت و الهامات دینی استفاده می‌شود. افراد، گروه‌ها و جوامع، این مواد و مصالح را می‌پروراندند و معنای آن‌ها را مطابق با ضرورت‌های اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی‌ای که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی-مکانی دارند، از نو تنظیم می‌کنند. با توجه به این که ساختن اجتماعی هویت، همیشه در بستر روابط قدرت صورت می‌گیرد، می‌توان سه نوع هویت را تشخیص داد: مشروعیت بخش، مقاومت و هویت برنامه‌دار (کاستلز، ۱۳۸۰، ص. ۲۶-۲۳).

#### ۴-۱ پیش فرض نظری

با توجه به کیفی بودن پژوهش تنها از پیش فرض نظری در این مقاله استفاده شده است. بنابراین در اینجا با این سؤال مواجه می‌شویم که کدام نظریه می‌تواند به عنوان پیش فرض نظری مساعدت لازم و توانایی کافی برای پاسخ دادن به سؤال اصلی (هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند ایران چیست؟) را

داشته باشد که در پاسخ رویکرد بازتابی مطرح می‌شود. رویکرد بازتابی مبتنی بر این فرضیه است که هنر آیینی جامعه است. هنر، آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت هدف‌های علمی و عملی قرار می‌گیرد چنان که، برخی فلاسفه سده نوزدهم باور داشتند، هرگونه اثر بازتابنده از واقعیت، از برخی جنبه‌های خاص حقیقت سرچشمه می‌گیرد که بر پایه یک دیدگاه خاص اجتماعی استوار است (شیروانلو، ۱۳۵۵، ص. ۱۹-۱۸). به گفته ویکتوریا الکساندر «رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه گسترده‌ای از تحقیقات مبتنی بر این عقیده مشترک است که هنر آیینی جامعه است؛ یا هنر به واسطه جامعه مشروط شده و تعیین می‌یابد» (آزاد ارمکی، امیر، & فائقی، ۱۳۹۲، ص. ۸۴). البته این آینه، گاه مانند آینه‌ای تخت، تمامی یا برخی اطلاعات را همان‌گونه که وجود دارد، منعکس می‌کند و گاه هم‌چون آینه‌ای ناصاف، فقط بخشی از اطلاعات را نشان می‌دهد (ترکاشوند، ۱۳۸۸، ص. ۴۰). در مطالعه رابطه میان هنر و جامعه سه رویکرد اساسی وجود دارد. رویکرد اول بازتاب است که متوجه چگونگی نمایش جامعه در آثار هنری معاصرش است. رویکرد دوم شکل‌دهی است که متوجه تأثیر هنر بر جامعه است. رویکرد سومی هم دارد که به رابطه میان هنر و جامعه نمی‌پردازد، بلکه به هنر به منزله جامعه نگاه می‌کند و جامعه هنر را مورد مطالعه قرار می‌دهد (راوردرداد & فائقی، ۱۳۹۴، ص. ۳۲).

## ۵- روش شناسی پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است و روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش تحلیل مضمون<sup>۲</sup> است. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای: الف- دیدن متن ب- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط ج- تحلیل اطلاعات کیفی د- مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ ه- تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, ۱۹۹۸, p.۴). به عقیده آتراید- استیرلینگ تحلیل مضمون به دنبال استخراج مضامین برجسته یک متن در سطوح مختلف است، شبکه مضمون‌ها نیز به دنبال تسهیل ساختاردهی و ترسیم این مضمون‌هاست (شیخ زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۵). چهار روش کاربردی مناسب در تحلیل مضمون وجود دارد: ۱- تحلیل قالب مضامین ۲- ماتریس مضامین ۳- شبکه مضامین ۴- تحلیل مقایسه‌ای که در این پژوهش از تکنیک شبکه مضامین استفاده شده است.

شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید-استیرلینگ آن را توسعه داده است. در جدول زیر به گام های شش گانه تنظیم شبکه مضمونی اشاره شده است.

جدول شماره (۱): مراحل تنظیم شبکه مضمونی

مرحله تحلیلی			
مرحله سوم: ساختن شبکه های مضمونی	مرحله دوم: شناخت مضمون ها	مرحله اول: کدگذاری	الف) تقلیل یا خرد کردن متن
- نظم دادن به مضمون ها - یافتن و انتخاب مضمون های پایه ای (بنیادین) - بازاریابی مضمون های پایه ای برای یافتن مضمون ها سازمان دهنده - استخراج مضمون (مضامین) فراگیر - ترسیم شبکه (های) مضمونی - بازیابی و تصحیح شبکه (های) مضمونی	- انتزاع مضمون ها از پاره گفتارها - تصحیح مضمون ها	- تهیه یک چارچوب کدگذاری - تجزیه متن به پاره-گفتارها با استفاده از-چارچوب کدگذاری	
مرحله پنجم: خلاصه سازی شبکه های مضمونی	مرحله چهارم: توصیف و کشف شبکه های مضمونی		ب) کاوش متن
	-توصیف شبکه -اکتشافات شبکه		
مرحله ششم و آخر: توصیف یا تفسیر			ج) یکپارچه سازی

(Attride, ۲۰۰۱, p. ۲۹۱)

در این تحقیق از نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. روش های نمونه گیری هدفمند به طور عمده و ابتدا در روش های کیفی استفاده می شوند و عبارت اند از گزینش واحدهایی خاص مبتنی بر هدف های خاص مرتبط با پاسخ به سؤال های خاص تحقیق. بنابراین براساس تعریف فوق نمونه گیری توسط محقق صورت گرفته است و محقق نمونه ها را با توجه به مفاهیم مورد نظر و هدف ها و سؤال های تحقیق انتخاب کرده است. همچنین از آن جا که در این تحقیق، نمونه گیری هدفمند است، حجم نمونه با جامعه آماری، برابر است.

در جهت دستیابی به مفهوم هویت فرهنگی پیش تحلیلی صورت گرفت تا معرف های تحقیق مشخص شوند تا بدانیم سراغ کدام آهنگ و اشعار برویم. به همین منظور نام هایی همانند ایران، سرزمین، وطن، تاریخ، اقوام، میهن، قهرمان و نام های

دیگری با همین مضمون‌ها که در بین سال‌های ۹۲ تا ۹۷ سروده و اجرا شده‌اند انتخاب شدند.

شایان ذکر است برخی از آهنگ‌ها در تاریخ قبل از سال ۱۳۹۲ تولید و توزیع شده‌اند اما در سال‌های بین ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ مجدد مورد مصرف کنشگران قرار گرفتند که به تعبیر نگارنده زمانی که ترانه‌ای چندین سال متوالی مورد استقبال قرار می‌گیرد به این معنا است که ترانه دارای اعتبار مفهومی است. همچنین آهنگ‌ها فارغ از این‌که دارای مجوز رسمی هستند یا نه و با توجه به این نکته که در متن اشعار به هویت فرهنگی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره شده است، فهرست شده و پژوهشگر برحسب تطابق مفهومی با هدف تحقیق، داده‌ها را انتخاب کرده است که به ۱۰۰ نمونه رسید. همچنین بعد از دستیابی به سطحی از اشباع داده، مضامین تفکیک و ترسیم شده‌اند و در انتها برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل مضمون NVivo ۱۰ استفاده شده است.

## ۶- یافته‌های پژوهش

برای ارائه پاسخ مناسب به سؤال اصلی این پژوهش مبنی بر این‌که هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند ایران چیست در ابتدا باید به سؤال‌های جزئی پژوهش پرداخت تا در نهایت به پاسخ سؤال اصلی پژوهش برسیم. همچنین با توجه به تعداد بالای مضامین و محدودیت در نوشتار تلاش شده است تا ساختار تحلیل مضمون یعنی سه لایه مضمون فراگیر، مضمون سازمان‌دهنده و مضامین پایه در پاسخ به سؤال‌ها آورده شود. در مجموع ۱۲ مضمون فراگیر، ۲۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۶۰ مضمون پایه استخراج شده است.

### سؤال جزئی اول)

**فلسفه وجودی هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند ایران در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ چیست؟ (چرایی)**

برای پاسخگویی به این پرسش به خاستگاه و فلسفه وجودی هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار موسیقی مردم پسند می‌پردازیم. فلسفه وجودی هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار از سه مضمون فراگیر دیانت، ارزش‌های اخلاقی، تاریخ و حافظه فرهنگی تشکیل شده است که هر یک از این مضامین دارای مضامین

سازمان‌دهنده و مضامین پایه می‌باشند. با تحلیل اشعار به دو مضمون سازمان‌دهنده برخوردیم که مضمون فراگیر یعنی دیانت را شکل می‌دهند.

اولین مضمون سازمان‌دهنده توحید و معنویت‌گرایی است که در اشعار با مضامین پایه‌ای نظیر قسم خوردن، مقدس بودن، دعا کردن، یا علی‌گو بودن، لطف یزدان، رحیم و رحمان، وقتی خدا پشت ماست آورده شده است و دومین مضمون سازمان‌دهنده باورهای دینی است که در اشعار با مضامین پایه‌ای مثل حرم‌های سبز و پاکت، تکیه‌گاه نور، بی بی معصومه، امام رضا و اذان دیده می‌شود.

مضمون فراگیر دیگر ارزش‌های اخلاقی است که از دو مضمون سازمان‌دهنده مقاومت و ایستادگی در راه وطن و خلیقات اجتماعی تشکیل شده است. در شعر پیش رو مضامین پایه‌ای که مضمون مقاومت و ایستادگی در راه وطن را تشکیل داده اند می‌بینیم «ایران نشانی می‌دهد از عاشقان بی شمار از جنگ‌های پر تنش از اسب‌های بی‌سوار/ ایران نشانی می‌دهد از سرکشی روزگار از زخم‌های کهنه و از مرزهای بی‌قرار» و یا مضامین دیگری که در اشعار مختلف استخراج شده‌اند از قبیل تنی که با گلوله خو گرفته، وطن یعنی دل لیلای مجنون به سمت شط خون پهلو گرفته، ناله‌های هر شب مرز، تو تنی که ناگزیر از سوختن بود، سنگر، ارزش گذشتن از جان ما، در راحت ای وطن از جانم بگذرم، پر از زخمی اما سراپا غرور، واست جون میدم، شقایق، لاله، این گل خون‌پیر و جَوونه است. همه این مضامین در برگرفته و تشکیل دهنده مفهوم مقاومت و ایستادگی در راه وطن هستند.

مضمون سازمان‌دهنده خلیقات اجتماعی نیز از مضامین پایه‌ای از جمله غیرت ما یه وجب ازت جدا شه، همت و غرور، به غیر از مهر در آیین من نیست، ایرانی اهلِ وفا، صلح و صفا، دوستی و مهر و پاکی شکل گرفته است. این مضامین نشان دهنده خلیقات اجتماعی ایرانیان است که این اشعار آن‌ها را بازنمایی کرده است.

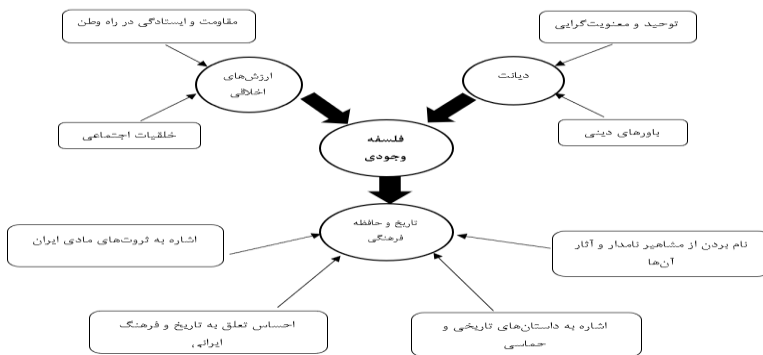
مضمون فراگیر بعدی تاریخ و حافظه فرهنگی است که خود از چهار مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده است که عبارتند از نام بردن از مشاهیر نامدار و آثار آن‌ها، اشاره به داستان‌های تاریخی و حماسی، احساس‌تعلق به تاریخ و فرهنگ ایرانی، اشاره به ثروت‌های مادی ایران. حال اولین مضمون سازمان‌دهنده یعنی نام بردن از مشاهیر نامدار و آثار آن‌ها از مضامین پایه‌ای تشکیل شده است همانند این شعر که می‌گوید «واسه آبروی مردمت بجنگ این مدالا تختی رو تختی نکرد» که اشاره به اسم تختی می‌کند و یا این شعر «واسه ما ایرانیا ملاک هر نفره که روی گردن ما پلاک فروهره» که اشاره به فروهر به عنوان نماد ایرانی به آن اشاره شده است و یا مضامینی که از

ادبا و دانشمندان ایرانی نام می‌برند «خدا به تو داده دو تا چشم بینا بین کتاب‌های سعدی و ابن سینا/ یا به فردوسی و خیام یا مولانا رومی همیشه توی تمدن ما بالا بودیم» و یا اسم کوروش که یکی از نامداران سرزمین ایران است.

دومین مضمون سازمان‌دهنده یعنی اشاره به داستان‌های تاریخی و حماسی از مضامین پایه‌ای نظیر اشاره به شخصیت آرش، شخصیت بهرام گور، شخصیت کاوه آهنگر و شخصیت رستم و مضامین پایه‌ای دیگر نظیر ضحاک، رخس، فریدون، رهایی ز آتش و خون، سیمرغ، زال، تهمتن تشکیل شده است.

سومین مضمون سازمان‌دهنده احساس تعلق به تاریخ و فرهنگ ایرانی می‌باشد که از مضامینی چون تاریخ خود را پرس و جو کن، ذات خود را آبرو کن، قسم به نام خودت میخورم، همین که روی زمین تو مینشینم بس، همین که خار و گلی در وطن بچینم بس، اسمت عظمته یه وطنه، ایران تاریخه تو جاویدان، ایران ای خانه اجدادی، ما میسازیم آینده، من که فرزند این سرزمینم، سعی ما بود؛ بهر آبادی این سامان، من آریایی‌ام، ایران سربلند این کشور منه برگرفته شده است. و آخرین مضمون سازمان‌دهنده استخراج شده از شعرهای آوازی، مضمون اشاره به ثروتهای مادی ایران است. که شامل مضامین پایه‌ای نظیر نفت، طلا و مروارید می‌شود.

نمودار شماره (۱): شبکه مضمون‌های مرتبط با فلسفه وجودی (چرایی) هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند



### سؤال جزئی دوم

محتوا هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار موسیقی مردم پسند در

بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ چیست؟ (چیستی)

در اینجا پرسش دوم مطرح می‌شود که با تحلیل در شعرهای آوازی برای فهم چیستی هویت فرهنگی به شش مضمون فراگیر برخوردیم. این مضامین فراگیر شامل مضامین زبان و ادبیات فارسی، جغرافیا، نمادهای سیاسی و فرهنگی مشترک در سرزمین، احساس تعلق اجتماعی، میراث فرهنگی و آیینی و اشاره به ثروت‌های غیر مادی می‌شود. با توجه به روند بحث هر کدام از مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه‌ای تشکیل شده‌اند. به عبارتی مضمون فراگیر زبان و ادبیات فارسی شامل دو مضمون سازمان‌دهنده نوشتاری و گفتاری است که از مضامین پایه‌ای نظیر خط، شعر، زبان پارسی است، زبان اصلیم تشکیل شده است به گونه‌ای در این شعر نیز بیان شده است (در حلق و زبان هر جا/ ایرانم سخنم باشد. بنابراین در وهله اول این زبان است که محتوای هویت فرهنگی جوامع را بازگو می‌کند و برای شناخت هویت فرهنگی ملت‌ها شناخت زبان اولویت اول است.

بعد از آن مضمون فراگیر جغرافیا بیان می‌شود که از مضامین سازمان‌دهنده دلبستگی به جغرافیا (سرزمین ایران) و اشاره خاص به برخی منطقه‌ها یا شهرها برگرفته شده است. مضامین پایه‌ای دلبستگی به جغرافیا شامل این موارد می‌شود: ای ایران تا نفس دارم عهد دیرین را نشکنم، ای ایران تا نفس باشد یاد تو ماند جاودان، خاک وطن یعنی تمومه میراث وقتی ازش دوری گم میشه احساسات، ایرانم میراث نور و صدا تاریخم ای خاک خاطره‌ها، نمیخواهم که از تو دور باشم، من این خاک کهن را دوست دارم تو باید تا ابد آزاد باشی، جان من فدایه خاکه پاک میهنم، در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما پاینده باد خاک ایران ما، کشورم ای باورم تاج سرم پاینده‌ای ایران، حرفی بزن ایران خوبم بغض صداتو دوست دارم دلگیرم از تاریخ اما جغرافیاتو دوست دارم. و یا در این بیت‌ها، ذره ذره خاک تو با قطره قطره خون من/فرقی نداره میهنم بالاتر از جون من، میخوانمت با هر نفس با هر ترانه/ ایران من ای سرزمین مادرانه این دلبستگی به جغرافیا کاملاً مشهود است.

مضمون سازمان‌دهنده دیگری تحت عنوان اشاره خاص به برخی منطقه‌ها یا شهرها است که از مضامین پایه‌ای مثل نام بردن از مناطق استراتژیک و مهم در شعرهای آوازی آورده شده است همانند نام‌های اروند، البرز، الوند، فکه، دماوند، بم، تخت جاودان جم، هگمتانه، بیستون، خزر، خلیج فارس، هامون، جزیره مجنون، ارس، کارون، هرمز، فارس، قشم، کیش، جزیره هندورابی، جزیره لارک و جزایر لاوان و خارک. این اسامی پیوستگی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با هویت فرهنگی ایرانیان دارد.



مضمون فراگیر بعدی که چپستی هویت فرهنگی ایرانیان را ترسیم می‌کند مضمون نمادهای سیاسی فرهنگی مشترک در یک سرزمین است که مضامین پرچم، مرز و نقشه مضامین سازمان‌دهنده هستند. مضامین پایه‌ای در این شعر، سبز و سفید و سرخ آباد و آزاده/ تا هست این پرچم بالاست ای دنیا به درستی آورده شده‌اند. و یا مضامین پایه‌ای دیگر نظیر برای من وطن یعنی تب مرز، حدیث ناله‌های هر شب مرز، همه ناگفته‌های رو لب مرز که مضمون سازمان‌دهنده مرز را تشکیل داده‌اند. و در آخر بیت من تو را عمریست بر هر نقشه‌ای/ فارس دیدم من خلیج فارس دیدم که مضمون سازمان‌دهنده نقشه را بیان می‌کند.

مضمون فراگیر بعدی احساس تعلق اجتماعی است که از دو مضمون سازمان‌دهنده پذیرش دیگران به عنوان هم‌وطن و میهن پرستی شکل گرفته است. مضمون سازمان‌دهنده پذیرش دیگران به عنوان هم‌وطن از مضامین پایه‌ای از قبیل پشت به دشمن رو به میهن، کنارم باش هموطن، بخون ای هم وطن از خاک میهن سرم روی تن من نباشه گر که بیگانه بشه هموطن من تشکیل شده است. همچنین در ابیات مختلف مضامین پایه‌ای را می‌بینیم که مضمون سازمان‌دهنده میهن پرستی را تشکیل داده‌اند. همانند این بیت اگر ایران به جز ویران سرا نیست/ من این ویران سرا، را دوست دارم که با بیانی ساده این مفهوم را بازنمایی می‌کند و یا ابیات دیگر دلم غیر از تو و تکرار اسمت هزارون سالیه آوازی نداره، کی می‌خواد اسمت و از من بگیره/ تا وقتی زنده و صاحب نشینم.

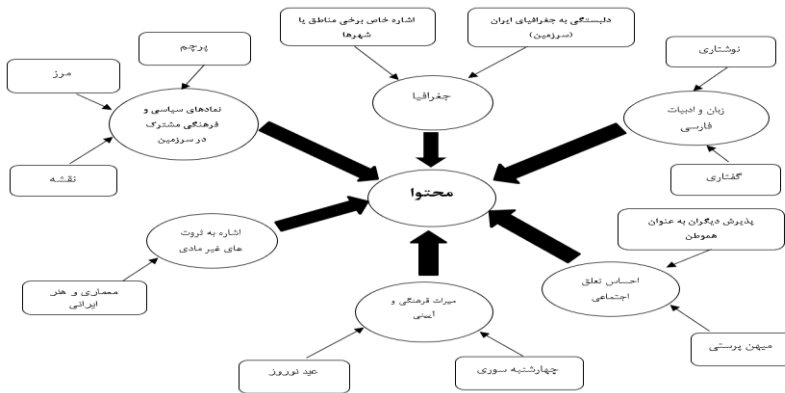
افراد احساس تعلق اجتماعی نسبت به وطن خود دارند فرقی نمی‌کند یک فرد ایرانی باشد و یا آلمانی و یا دیگر ملیت‌ها. به گونه‌ای که در این شعرها می‌بینم شرح این عاشقی، ننشیند در سخن/ که بهر عشق والای تو، همه جهان نیرزد، همه این تاریخو اگه جا به جا کنن/ باز برمیکردم که تو رو صدا کنم، چه احساسی گره خورده به اسمت، که خاکتو به یه دنیا نمیدم/ که خاکتو به یک دنیا نمیدم، تو میراث منی تا زنده هستم، حماسه‌ترین لحظه‌های جهان/ همین جا توو این سرزمین پا گرفت، هر گوشه از خاکت برام کل زمینه/ هر جا که باشم خون تو توی رگامه/ هر جا که باشم میهنم این سرزمینه، خزر و خلیج فارسست اقیانوس کبیر کی میتونه بعد یک قرن اسمتو ازت بگیره، ای که به تو وصل تنم از عشق تو پرثمنم/ تویی که سرپناهمی سربازتم ای وطنم، وطن یعنی همین حس تعلق، که ریشه داره توی باور من، میام به سمت آغوشت دوباره، تو میراث منی تا زنده هستم، به لحظه از شکوهت رو نمیدم به

ظاهرسازی صد تا غریبه، وطن زیباترین حس نیازه تو روزا و شبای بیقراری، در روح و جان من، می مانی ای وطن، کاش خاکت باشم کاش کوهت باشم.

و اما مضمون فراگیر میراث فرهنگی و آیینی که به طور مستقیم در هویت فرهنگی هر ملتی تأثیرگذار است. این مضمون از مضمون سازمان دهنده چهارشنبه سوری و عید نوروز تشکیل شده است. مضامین پایه‌ای چهارشنبه سوری به آداب و رسوم و نحوه برگزاری این آیین میپردازد که از قبیل کولاکی میشه هفته آخر زمستون/ همه دور همن سه شنبه شب توی خیابون، شب چهارشنبه سوری، آتیش بازی، ترقه، سرخی رو از اون بگین زردا بسوزن بمیرن، قاشق زنی، آجیل، مهمونی می‌باشد. دیگر مضمون عید نوروز است که یکی از اعیاد بزرگ ایرانیان است و جزء جدانشدنی از هویت فرهنگی ایرانیان است. مضامین پایه‌ای فصل بهاران، شادی، خوش باد بهاران، حافظ فال نکو آمد، مقلب القلوب، سیر سکه سرکه و سیر؛ حاجی معرکه گیر، ماهی قرمز، بازم سفره هفت سینویه فال دیگه از حافظ، عید نوروز، زمستون رفته و خورشید یه بار دیگه میجوشه، بوی تند ماهی دودی، وسط سفره نو، قاشق زدن یه دختر چادر سیاه، بوی اسکناس تا نخرده لای کتاب، برق کفش جفت شده تو گنجه‌ها است.

آخرین مضمون فراگیر در مورد چیستی هویت فرهنگی بازنمایی شده، اشاره به ثروت‌های غیر مادی است که از مضمون سازمان دهنده معماری و هنر ایرانی تشکیل شده است. در این جا اشاره به این نکته حائز اهمیت است که بعد غیر مادی معماری از باب تزئینات و هنر در این جا مد نظر است زیرا معماری ایرانیان همواره پیوسته با تزئین است و هر کدام از تزئیناتی که در معماری صورت می‌گیرد ناشی از تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زمان خود است. بنابراین می‌توان گفت معماری نتیجه حاصل فرهنگ جامعه است. مضامین پایه‌ای از قبیل کاشی کاری، نقاشی، آینه کاری طاقای نور است.

نمودار شماره (۲): شبکه مضمون های مرتبط با محتوا (چیستی)  
 هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند



### سؤال جزئی سوم)

فرایند هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار موسیقی مردم پسند در

بین سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ چیست؟ (چگونگی)

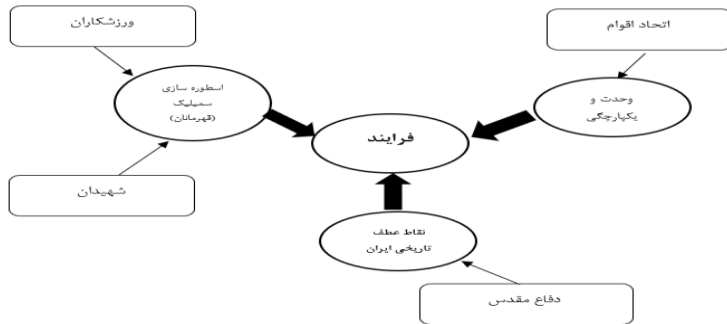
حال در اینجا درصدد پاسخگویی به آخرین پرسش برآمدیم. برای پاسخ به این سؤال سه مضمون فراگیر از درون اشعار استخراج شده است. مضامین فراگیر وحدت و یکپارچگی، اسطوره‌سازی سمبلیک (قهرمانان) و نقاط عطف تاریخ ایران است. مضمون وحدت و یکپارچگی از مضمون سازمان‌دهنده اتحاد اقوام تشکیل شده است که این مضمون خود از مضامین پایه‌ای نظیر، بیا با دستامون قلب بسازیم عین کوه پشت هم باشیم، چه بالای شهر چه پایین شهر بدیم دست به دستای هم، دستامون زنجیره به هم، محکم میریم همه هم قدم فردا تو مشت ماست، همه برابر همه برادر داریم هوا هم رفتیم از عشق فراتر، فرق نداره چه فارس چه ترک بختیاری یا کرد باشیم، ما همه یه رویای مشترک داریم، نسیم وحدت وزیده بر دل‌ها، من و تو ما هستیم، من و تو هر دم چه خوبه ما باشیم، همیشه شادان، چو هم‌صدا باشیم، مردمش همدل و هم‌صدایند، به نگاه وطن همه آشنا همه یک دلیم همه یک صدا، ما پنج تا انگشت یک دستیم تو هر بلایی پشت هم هستیم، ما تو بلاها پشت هم هستیم، میشه با وحدت حل بحران کرد، یک سوی تو دریا خزر، سوی دگر خلیج فارس این سوی تو، ترک و عرب آن سوی تو بلوچ و فارس، با هم بمان در این دیار

سر خم نکن بر روزگار، بیا هموطن بیا دست همدیگه رو بگیریم، منو تو باهم برای هم صدای هم آشنای هم تشکیل شده است.

مضمون فراگیر بعدی در فرایند هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار موسیقی، اسطوره سازی سمبلیک (قهرمانان) است که مضمون ورزشکاران، مضمون سازمان‌دهنده آن است و مضامینی همانند قهرمان وقتی به میدان می‌روی گویی در آغوش جانان می‌روی، قهرمان آن سو تویی این سو منم رنک تک پوش تو شد پیراهنم، نیومدیم بازی اومدیم بجنگیم چون سربازیم با هر قدم تاریخ می‌سازیم، پرچمو بده بالا، غرش شیران، پهلوان، پهلوانان دلیر، برخیز و پرچم را ببر؛ بر سر در خنله بکوب، بر شلنه کوه لنداز؛ پیراهن ایران را، قهرمان ایرانی رقیباشو به زانو در میاره، ما از نسل اسطوره‌های دلیریم، تیم قهرمان، بردن تویه خون مونه سختی برامون آسونه ما حریف نداریم مضامین پایه‌ای هستند.

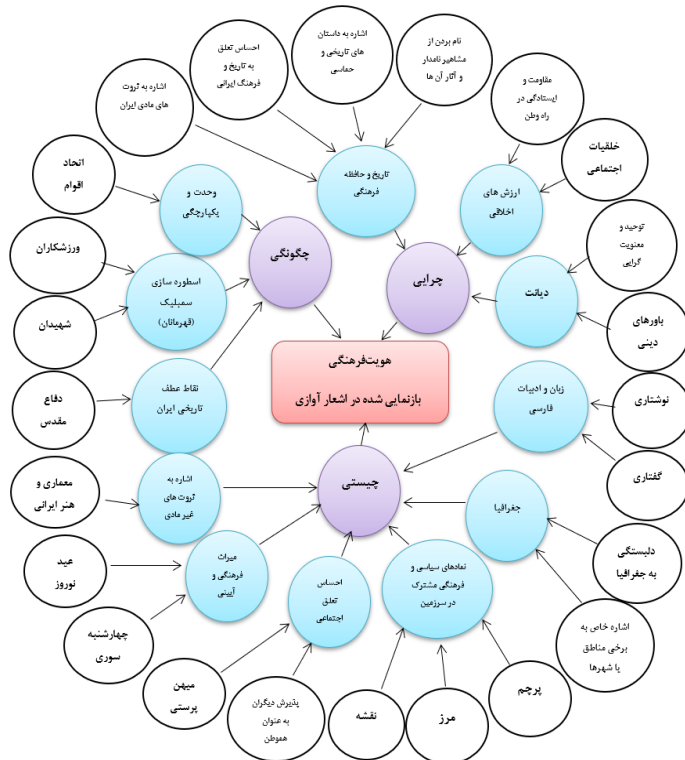
مضمون سازمان‌دهنده دیگر شهیدان است که از مضامین پایه‌ای از جمله اون که هنوزم تو سرش موجای جنگه، گل میکنه یاد رفیقای شهیدش، تو خاطرش آشوب شب‌های نبرده حس می‌کنه داره به جبهه برمی‌گرده تشکیل شده است. آخرین مضمون فراگیر نقاط عطف تاریخ ایران است که از مضمون سازمان‌دهنده دفاع مقدس به وجود آمده است. هر جامعه‌ای برهه‌های زمانی مهم سیاسی، فرهنگی اجتماعی دارد که در دل تاریخش جای دارد همانند جنگ ایران و عراق. بنابراین دور از ذهن نیست که مضامین مربوط به این وقایع از اشعار بازنمایی شوند. مضامین پایه‌ای به دست آمده از قبیل یاد جوانان وطن نقش زده بر درو دیوار، لاله‌های غرق خون غرور، فدای خاک تو روح و تنم، لاله، لباس پاره پاره، پلاکش، ترکش، پوتین پاره، ازش چیزی نمونه بیارن توی خاکش، تابوتش، سنگرش، بی پلاک و بی نشون، تیکه‌های استخون، گمنامی، این خاک لبریز از پلاک، داغ خرمشهر، سرفه، ترکش، غرق موج انفجاره، موج می‌باشد.

نمودار شماره (۳): شبکه مضمون های مرتبط با فرایند (چگونگی) هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند



و در اینجا نمودار نهایی شبکه مضامین هویت بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند ایران آورده شده است.

نمودار شماره (۴): شبکه مضامین هویت بازنمایی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند ایران بین سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷



## ۷- بحث و نتیجه گیری

راهی که از ابتدای پژوهش تا به اینجا پیموده‌ایم برای پیدا کردن پاسخ به سؤال‌های جزئی و برای رسیدن به هدف این پژوهش (شناخت هویت فرهنگی بازنمایی شده در موسیقی مردم پسندهای ایران) بوده است که در ادامه آن به جست‌وجو و استخراج مضامین هویت فرهنگی بازنمایی شده در متن اشعار دست زدیم. برای شناخت بی واسطه از رویکرد بازتابی وام گرفته شده است. شارحین رویکرد بازتابی، بر این باورند که «موجودیت اثر هنری با ویژگی‌های یک دوره تاریخی، یک گروه اجتماعی یا یک فرد رابطه دارد» (دوونینو، ۱۳۹۲ ص. ۷۵). به این دلیل که «آثار هنری خودشمول نیستند، بلکه فرآورده اعمال تاریخی خاصی هستند که در شرایطی معین، گروه‌های اجتماعی قابل شناسایی آن‌ها را انجام می‌دهند بنابراین مهر عقاید، ارزش‌ها و شرایط زندگی آن گروه‌ها و نمایندگان‌شان را بر خود دارند» (ولف، ۱۳۶۷، ص. ۶۳). رویکرد بازتابی، بر آن استوار است که هنر، همواره چیزی درباره جامعه به ما می‌گوید. این منظر، شامل تحقیقات گسترده‌ای است که فصل مشترک تمام آنها، این باور است که، هنر آینه جامعه است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص. ۵۵).

حال با توجه به نوع نگاه این رویکرد و با تأکید بر مکتب بیرمنگام با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق می‌توان این ادعا را در جامعه ایران نیز مطرح کرد که موسیقی مردم‌پسند به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ عامه‌پسند که در میان توده مردم رواج دارد می‌تواند واقعیت اجتماعی زمان خود را بازنمایی کند.

با مطالعه بر یافته‌های پژوهش، مضامین هویت فرهنگی ایرانی مانند مضامینی چون کوروش، اهورا مزدا، آرش، فردوسی، رسوم‌های ایرانی نظیر چهارشنبه سوری و عید نوروز و آداب مربوط به این اعیاد، مناطق جغرافیایی و استراتژیک، هنرهای ایرانی و یا دیگر مضامین که هویت فرهنگی ایران را بازگو می‌کند به چشم می‌خورد. با نگاهی به مضامین استخراج شده در می‌یابیم که در تعریف هویت فرهنگی ایرانیان باید ابعاد مختلف در نظر گرفته شود؛ زیرا هویت فرهنگی ایرانیان گره خورده با مفاهیم هویت ملی، قومی و مذهبی است.

در کنار مضامین ذکر شده در بالا، مضامین هویت فرهنگی در متن اشعار با مضامین دیگری چون احساس تعلق اجتماعی، پذیرش دیگران به عنوان هم‌وطن، میهن‌پرستی، دل‌بستگی به سرزمین ایران، احساس تعلق به تاریخ و فرهنگ ایرانی، اتحاد اقوام، از خودگذشتگی، شجاعت، نوع دوستی و خونگرمی و... بازنمایی شده

است که این مضامین نشانگر احساس پیوستگی عاطفی، احساسی و ذهنی کنشگران است.

هویت فرهنگی در اشعار با مضمون اتحاد اقوام که بیانگر وحدت و یکپارچگی است نیز بازنمایی شده است. دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ، مدیون گروه‌های مختلف قومی، گروه‌های مذهبی و دینی است؛ چرا که هر یک با افزودن لایه‌های هویتی و فرهنگی، به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده‌اند. نکته قابل توجه این است که هویت فرهنگی ایران مجموعه‌ای از عناصر مختلف فرهنگی اقوام ایرانی است؛ به گونه‌ای که طی سالیان یا قرن‌های متمادی، هر کدام از اقوام با افزودن عنصرهای فرهنگی متعلق به قوم خود به فرهنگ ایرانی، به پرباری آن افزوده‌اند. به همین دلیل، هویت فرهنگی جامعه ایران را نمی‌توان جدا از هویت و فرهنگ اقوام ایرانی دانست. به طور مثال شعر «فرق نداره چه فارس چه ترک بختیاری یا کرد باشیم / هم یک دلیم و هم صدا» به روشنی مضمون وحدت، مضمون «ما» و مضمون هم صدا را در جهت تشویق اقوام و افراد در درون جامعه به یکپارچگی به کار برده است که منجر به یک همبستگی فرهنگی نیز می‌شود و به عنوان مضامین هویت فرهنگی بازنمایی شده است.

در جمع‌بندی خاطر نشان می‌شود برای شناخت هویت فرهنگی ایرانیان سه لایه از مضامین فراگیر و سازمان دهنده و پایه‌ای استخراج شده‌اند که این مضامین در کنار هم گویای تاریخ فرهنگی، ملی، مذهبی و قومی ایرانیان هستند که در قسمت سؤال‌های جزئی توضیح داده شده است. اگر بخواهیم هویت فرهنگی ایرانیان را همانند یک مثلث سه ضلعی تصور کنیم و یک طرف هویت اسلامی و طرف دیگر هویت مدرن و آن طرف دیگر را هویت ملی و قومی ببینیم، در حال حاضر با عنایت به مضامین استخراج شده در سه بعد چرایی، چیستی و چگونگی به نظر می‌رسد هویت فرهنگی ایرانیان با مضامینی که هویت فرهنگی ملی و قومی ایرانیان را نشان می‌دهد بازنمایی می‌شود. بدین ترتیب مهم است تا در برهه زمانی متفاوت تحقیقاتی بر روی هویت فرهنگی ایرانیان صورت گیرد؛ زیرا مفهوم هویت فرهنگی تداوم و پیوستگی بین گذشته و حال هر جامعه‌ای را نشان می‌دهد.

مضامین استخراج شده هویت فرهنگی بازنمایی شده در اشعار را می‌توان در قالب جدول زیر بیان کرد.

جدول شماره (۲): مضامین هویت فرهنگی بازتابی شده در اشعار آوازی موسیقی مردم پسند

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر		
توحید و معنویت‌گرایی	دیانت	چرایی	
باورهای دینی			
مقاومت و ایستادگی در راه وطن	ارزش‌های اخلاقی		
خلقیات اجتماعی			
نام بردن از مشاهیر نامدار و آثار آن‌ها	تاریخ و حافظه فرهنگی		
اشاره به داستان‌های تاریخی و حماسی			
احساس تعلق به تاریخ و فرهنگ ایرانی			
اشاره به ثروت‌های مادی ایران			
نوشته‌های	زبان و ادبیات فارسی		چیستی
گفتاری			
دلبستگی به جغرافیا	جغرافیا		
اشاره خاص به برخی منطقه‌ها یا شهرها			
پرچم	نمادهای سیاسی و فرهنگی مشترک در سرزمین		
مرز			
نقشه			
پذیرش دیگران به عنوان هموطن	احساس تعلق اجتماعی		
میهن پرستی			
چهارشنبه سوری	میراث فرهنگی و آیینی		
عید نوروز			
معماری و هنر ایرانی	اشاره به ثروت‌های غیر مادی		
اتحاد اقوام	وحدت و یکپارچگی	چگونگی	
ورزشکاران	اسطوره‌سازی سمبلیک (قهرمانان)		
شهیدان			
دفاع مقدس	نقاط عطف تاریخی ایران		

## ۷-۱ پیشنهاد تحقیقاتی

توسعه اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای در گرو شناخت آن جامعه است. به همین دلیل براساس یافته‌های پژوهش و با توجه به شرایط تاریخی، مذهبی، قومی و جغرافیایی پیشنهاد می‌شود تنها به یک بعد هویت فرهنگی تأکید نشود به عبارتی با تأکید بر یک بعد هویتی ما شاهد کشش جامعه به سمت ابعاد دیگر شده و منجر به عدم تعادل میان ابعاد هویت فرهنگی می‌شود. در اینجا نقش روشنفکران،



سیاست‌گذاران فرهنگی، رسانه‌ها در حفظ هویت فرهنگی و در امتداد آن اشاعه هویت فرهنگی ایرانی در بین نسل‌های جدید لازم و ضروری است.

حال با توجه به این که چهل و سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی و گفتمان انقلابی می‌گذرد و جمهوری اسلامی به عنوان الگوی کشور مسلمان و انقلابی در منطقه و جهان شناخته می‌شود پیشنهاد می‌شود سازمان‌های تبلیغات اسلامی و فرهنگی تمرکز بیشتری در اشاعه و ترویج هویت فرهنگی ایرانی- اسلامی در کالاهای فرهنگی داشته باشند. تا بدین جا نیز مضامینی استخراج شد که دفاع مقدس را بازنمایی می‌کردند. بدون تردید این مضامین بیانگر این مطلب است که ایثار و فداکاری در راه وطن و مقاومت در برابر بیگانه با هویت فرهنگی ما ایرانیان گره خورده است و جزئی از هویت ما قرار دارد. برای حفظ چنین ارزش‌ها و پیشگیری از هرگونه انحراف از این قبیل ارزش‌ها لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی به این مهم توجه بیشتری داشته باشند تا نسل‌های آینده با این ارزش‌ها آشنا شوند و به حفظ و نگهداری آن بکوشند زیرا سیاست‌گذاران در حوزه فرهنگی با اختیار داشتن منابع می‌توانند در آگاهی بخشی و ترویج این نوع از هویت در حوزه هنر نیز بهره‌مند شوند.

همچنین توصیه می‌شود که پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه هویت فرهنگی با تکنیک‌های روشی و نظری دیگر نیز این موضوع را بررسی کنند و در آخر محققان با استفاده از تکنیک‌های آینده‌نگرانه تحولات هویت فرهنگی در آینده را پیش‌بینی کنند.

## منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، ت.، امیر، آ &، فائق، س. (۱۳۹۲). «پیوند سینمای ایران با واقعیت (بررسی بازتاب مطالبات سیاسی در سینما بین سال های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴)». جامعه شناسی هنر و ادبیات. دوره پنجم. شماره ۱.
- آشنا، ح &، روحانی، م (۱۳۸۹). «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مولفه های بنیادی». تحقیقات فرهنگی ایران. دوره سوم. شماره ۴.
- الکسلندر، و. (۱۳۹۰). «جامعه شناسی هنرها» ترجمه اعظم راودراد. تهران: فرهنگستان هنر.
- ترکاشوند، ن. (۱۳۸۸). اثر هنری و رویکرد بازتاب در جامعه شناسی، هنرهای زیبا هنرهای تجسمی. شماره ۴۰.
- دووینیو، ژ. (۱۳۹۲). «جامعه شناسی هنر». ترجمه مهدی سبحانی. جلد ششم. تهران: مرکز.
- راورداد، ا &، فائق، س. (۱۳۹۴). «بازنمایی معضلات اجتماعی جامعه در موسیقی رپ اجتماعی ایرانی مطالعه موردی؛ متن آهنگ های یاس». پژوهشگاه مطالعات فرهنگ و ارتباطات. سال شانزدهم. شماره سی و یکم.
- ستاری، ج. (۱۳۸۰). «هویت ملی و هویت فرهنگی». تهران: مرکز.
- شاه آبادی، ا &، ابراهیم آبادی، م. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بحران هویت فرهنگی در بین دانش آموزان دبیرستان تبریز. تحقیقات فرهنگی ایران. شماره ۱۶.
- شیخ زاده، م. (۱۳۹۱). الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره). دو فصلنامه علمی-تخصصی اسلام و مدیریت. سال اول. شماره ۱.
- شیروانلو، ف. (۱۳۵۵). «گستره و محدوده جامعه شناسی هنر و ادبیات». تهران: توس.
- کاستلز، م. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، قدرت هویت. ترجمه چاوشیان و خاکباز. تهران: انتشارات طرح نو.
- کچوئیان، ح &، جواد یگانه، م. (۱۳۸۴). «تطور نظریه های هویت در غرب: از تجدد تا مابعد تجدد». فصلنامه علوم سیاسی. سال هشتم. شماره بیست و نهم.
- کریمی مله، ع.، بلباسی، م &، قربی، س. (۱۳۹۷). «عناصر هویت فرهنگی جمهوری اسلامی: نمونه کاوی سند (مؤلفه های هویت ملی ایرانیان)». فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵.
- کریمی، ز &، احمدوند، ع. (۱۳۹۱). «جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه ها»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳.

- گودرزی، ح. (۱۳۸۴). جامعه شناسی هویت در ایران، تهران: موسسه مطالعات ملی/تمدن ایرانی .
- محمدپور، ا.، شریعت پناه، ا. & ، غلامی، ا. (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه شناختی شیوه برساخت هویت از رهگذر مصرف موسیقی عامه پسند در میان جوانان». مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره هفتم. شماره ۴.
- مشیرزاده، ح. & ، مسعودی، ح. (۱۳۸۸). «هویت و حوزه های مفهومی روابط بین الملل». فصلنامه سیاست، دوره ۳۹. شماره چهارم.
- نش، ک. (۱۳۸۲). جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر .
- ولف، ج. (۱۳۶۷). «تولید اجتماعی هنر». ترجمه نیره توکلی. تهران: مرکز .
- Attride , S. (۲۰۰۱). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative:" Research Qualitative, "Research. page ۴۰۵-۳۸۵.
- Balanovic, J., Stuart, J., & Ward, C. (۲۰۲۰). "The chance to look, to examine, to explore': A qualitative study of intercultural contact and cultural identity exploration for Muslim immigrants.
- Boyatzis, R. (۱۹۹۸). Transforming qualitative information:thematic analysis and code development, sage.
- Dely, E. (۲۰۲۰). A segue in Thai cultural identity: Impressions of international students' doctoral experience in the UK and their re-adaptation upon return to their home country. University of Glasgow College of Social Sciences. Doctoral Thesis.

## Reference

- Alexander, V. (۲۰۱۱). Sociology of the Arts. Translated by Azam Ravardrad. Tehran: Academy of Art.
- Attride, S. (۲۰۰۱). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative:" Research Qualitative, "Research. page ۴۰۵-۳۸۵.
- Ashena, H., Rouhani, M., (۲۰۱۰). " Iranian cultural identity from theoretical approaches to fundamental components". Journal of Cultural Research, Third period, Issue ۴ (Persian).
- Azadarmaki. T. Amir. A. Faeghi. S. (۲۰۱۳). "The Iranian Cinema relation with Reality (Representation of Political Demands in Cinema between ۱۹۹۵ and ۲۰۰۵)". Sociology of Arts and Literature, fifth term. Issue ۱ (Persian).
- Balanovic, J., Stuart, J., & Ward, C. (۲۰۲۰). "The chance to look, to examine, to explore': A qualitative study of intercultural contact and cultural identity exploration for Muslim immigrants.
- Boyatzis, R. (۱۹۹۸). Transforming qualitative information:thematic analysis and code development, sage.

- Castells, M. (۲۰۰۱). Information age, the power of identity. Translated by Chavoshian and Khakbaz. Tehran: Tarhe no Publications.
- Dely, E. (۲۰۲۰). A segue in Thai cultural identity: Impressions of international students' doctoral experience in the UK and their re-adaptation upon return to their home country. University of Glasgow College of Social Sciences. Doctoral Thesis.
- Duvignaad, J. (۲۰۱۳) Sociology of Art. Translated by Mehdi Sahabi. Volume ۶. Tehran: Central.
- Goodarzi, H. (۲۰۰۵). 'Sociology of Identity in Iran', Tehran: Institute of National Studies / Iranian Civilization (Persian).
- Kachoyan, H. Javadi Yeganeh, M (۲۰۰۵). "The Evolution of Identity Theories in the West: From Modernity to Postmodernism." Quarterly Journal of Political Science. Eighth year No. ۲۹ (Persian).
- Karimi mele. A., Belbasi. M., Ghorbi. M., (۲۰۱۸). "Elements of the cultural identity of the Islamic Republic: Sample document (Components of Iranian National Identity)". Quarterly Journal of Strategic Policy Research, Year ۷, Issue ۲۵ (Persian).
- Karimian. Z. Ahmadvand. A. (۲۰۱۲). "Information society, cultural identity and mission of universities". Iranian Cultural Research, Volume ۵, No ۳ (Persian).
- Mohammadpour, A. Shariat Panah, A. Gholami, A. (۲۰۱۳) "A sociological analysis of how identity is constructed through the consumption of popular music among young people." Iranian Journal of Social Studies. Seventh period. No. ۴ (Persian).
- Mushirzadeh, H. Masoudi, H (۲۰۰۹). "Identity and Conceptual Areas of International Relations". Politics Quarterly, Volume ۳۹. No. ۴ (Persian).
- Nash, K. (۲۰۰۳). Contemporary Political Sociology: Globalization, Politics and Power. Translated by Mohammad Taghi Delforouz. Tehran: Kavir Publications.
- Ravardrad, A. Faeqi, S. (۲۰۱۵). "The Representation of society's social problems in Iranian social rap music: a case study; The text of Yas songs " Research Institute for Culture and Communication Studies. Year ۱۶. No ۳۱ (Persian).
- Rocher, G. (۱۹۹۲). Social changes. Translated by Mansour Vossoughi. Tehran: Nashr-e Ney.
- Sattari, J. (۲۰۰۱). "National identity and cultural identity". Central: Tehran ۲۲ (Persian).
- Shah Abadi, A., & Ebrahim Abadi, M. (۲۰۱۲). Investigating the social factors related to the cultural identity crisis among Tabriz high school students. Iranian Cultural Research. No. ۱۶.
- Sheikhzade, M. (۲۰۱۲). "Servant Leadership pattern based on Imam Khomeini's viewpoint". Journal of Scientific-specialized Islam and Management No. ۱ (Persian).

- Shirvanlo, F. (۱۹۷۶). "Scope and range of the sociology of art and literature". Tehran: Toos(Persian).
- Turkashvand, N. (۲۰۰۹). Artwork and reflection approach in sociology, fine arts and visual arts. No. ۴۰. P.۲۵-۳۲(Persian).
- Tanhaei, A. (۱۹۹۵). "Sociological Theories. Tehran: Qalam Publications (Persian).
- Wolf, J. (۱۹۸۸), Social Production of Art. Translated by Nayereh Tavakoli. Tehran: Central ۲۶